## گودبرداری غیراصولی ساختمان ۴ طبقه را آوار کرد

**۴۰ نفر از مراجعه کنندگان نگارخانه شیرین و فرهاد در آوار شدن این ساختمان در منطقه گیشا از مرگ نجات یافتند. این حادثه روز گذشته به علت گودبرداری غیراصولی اتفاق افتاد.**

سیدجلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی به خبرنگار ما گفت که حادثه ساعت ۹:۴۷ دیروز در گیشا، نبش خیابان ۳۶ اتفاق افتاد و به دنبال آن آتش‌نشانان از سه ایستگاه آتش‌نشانی خود را به محل رساندند. بررسی‌ها نشان داد که در ضلع شرقی ساختمان چهارطبقه اداری عملیات گودبرداری در حال انجام بوده که به یکباره ضلع غربی ساختمان آوار می‌شود. وی ادامه داد: به هنگام وقوع حادثه ۴۰ نفر داخل ساختمان بودند که ۲۰ نفرشان خارج شده و ۲۰ نفر باقی‌مانده با کمک امدادگران خارج شدند. امیر مسعود اشراق، افسر آماده منطقه دو آتش‌نشانی هم گفت: در جریان عملیات امداد یک زن جوان که زیر آوار سنگ و آهن گرفتار شده بود از مرگ حتمی نجات یافت. او ادامه داد: آتش‌نشانان با تجهیزات مخصوص نجات توانستند این زن را نجات دهند و از زیر آوار خارج کنند. براساس گزارش‌ها ساختمان مربوط به نگارخانه شیرین و فرهاد بود که در زمینه آموزش هنرهای موسیقی، گالری فعالیت می‌کرد.

## قاتل: برای سرقت پول و طلا مرتکب قتل شدم

**پسر محکوم به مرگ که دوست نوجوانش را برای سرقت پول و طلاهایش به قتل رسانده، بار دیگر محاکمه شد.**

به گزارش خبرنگار ما، بهمن‌ماه سال ۹۴، مأموران پلیس از قتل پسر نوجوانی در ساختمان نیمه‌کاره‌ای واقع در تهرانپارس باخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به نوجوان ۱۷ ساله‌ای به نام محمد بود که با ضربات چاقو و اصابت جسم سخت به سرش کشته شده بود. یکی از کارگران ساختمان گفت: محمد از کارگران ساختمانی بود. ما همه افغان هستیم. چند شب بود که پسر نوجوانی را همراه خودش به اینجا می‌آورد و تا صبح با هم بودند. وقتی از او سؤال کردم گفت به تازگی با او آشنا شده است و قرار است با هم به ترکیه بروند. امروز صبح وقتی سر ساختمان آمدم با جسد محمد روبه‌رو شدم که احتمال می‌دهم کار دوستش باشد. بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، دوست مقتول که فؤاد نام داشت، بازداشت شد.

او در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: می‌خواستم برای زندگی به ترکیه بروم، اما خانواده‌ام مخالف بودند و چند بار به خاطر این موضوع با آنها درگیر شده بودم. برای آخرین بار بعد از درگیری لباس‌ها و وسایلم را برداشتم و خانه را ترک کردم. آن روز در خیابان قدم می‌زدم که با محمد آشنا شدم. او هم تبعه افغان و در یک ساختمان نیمه‌کاره مشغول کار بود. وقتی از اختلاف با پدر و مادرم برایش صحبت کردم، مرا به ساختمان نیمه‌کاره برد و قرار شد چند شب پیش او بمانم. در آن مدت با محمد صحبت کردم و به او گفتم قصد رفتن به ترکیه را دارم. او نیز استقبال کرد و گفت مقداری پول و طلا دارد که می‌توانیم با فروش طلاها با هم به ترکیه برویم.

متهم در خصوص قتل گفت: وقتی متوجه شدم محمد ۳۰۰میلیون طلا و پول نقد دارد، وسوسه شدم و در مورد قتل او با یکی از دوستانم صحبت کردم. شب حادثه همراه دوستم نزد محمد رفتیم. در فرصت مناسب دوستم با چکش به سرش زد و من هم با بالش او را خفه کردم. سپس برای اطمینان از مرگ محمد چند ضربه با چاقو زدم و بعد از سرقت پول و طلاهایش فرار کردیم. با این توضیحات متهم به اتهام سرقت و مشارکت در قتل روانه زندان شد، اما تلاش برای بازداشت همدست او ناکام ماند.

پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و متهم بعد از محاکمه به قصاص، حبس و رد مال محکوم شد. رأی دادگاه، اما از سوی قضات دیوان عالی کشور با استناد به اینکه متهم به سن قانونی نرسیده نقض و پرونده برای رسیدگی دوباره به شعبه هم‌عرض ارجاع داده شد.

روز گذشته متهم بار دیگر در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی قربان‌زاده حاضر شد. بعد از قرائت کیفرخواست متهم در آخرین دفاعش گفت: از کاری که کردم پشیمانم و نمی‌دانستم حکم قتل چیست و چه عواقبی دارد. از ریاست دادگاه می‌خواهم مرا ببخشد و در مجازاتم تخفیف دهد. بعد از آخرین دفاع هیئت قضایی وارد شور شد.

## مرگ غم‌انگیز دختربچه با نیش عقرب

**دختربچه سه ساله بر اثر نیش عقرب در شهرستان فاریاب کرمان جان خود را از دست داد.**

این دختربچه دو روز قبل در روستای سرگریچ شهرستان فاریاب دچار عقرب‌زدگی و ابتدا به بیمارستان ۱۲ فروردین کهنوج منتقل شد. تلاش پزشکان برای نجات وی ثمری نداشت و کودک جان خود را از دست داد.

# سقوط مرگبار دختر دانشجو از پشت‌بام خانه قدیمی

**دختر جوانی بعد از سقوط از پشت‌بام خانه قدیمی سه‌طبقه در جنوب تهران جان باخت.**

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۷:۳۰ صبح روز دوشنبه پانزدهم خردادماه، قاضی محسن مدیر روستا، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۶۹ مشیریه از سقوط دختر جوانی از ساختمان مسکونی باخبر و در محل حاضر شد. تیمی جنایی در محل حادثه که کنار خانه قدیمی سه طبقه بود با جسد دختر جوانی به نام صفورا روبه‌رو شد که شواهد حکایت از آن داشت از پشت‌بام خانه قدیمی به داخل خیابان سقوط کرده است. بررسی‌ها نشان داد صفورا که دانشجوی یکی از دانشگاه‌های تهران و منشی یک شرکت خصوصی است، شب حادثه مهمان خواهر و برادری به نام‌های پژمان و شهین در خانه قدیمی بوده است. همچنین مشخص شد وی مدتی است به صورت تلفنی و پیامکی با پژمان ارتباط دارد.

پسر ۲۴ ساله در ادعایی گفت: یک‌ماه قبل با صفورا در شبکه اجتماعی «میچا» آشنا شدم. بعد از آن ارتباط تلفنی و تلگرامی ما ادامه داشت تا اینکه به هم علاقه پیدا کردیم. همان ابتدای آشنایی ما صفورا از خانواده‌اش گلایه می‌کرد و می‌گفت قصد دارند او را به زور به عقد مرد جوانی در بیاورند. او خیلی ناراحت بود و همیشه با من درددل می‌کرد تا اینکه شامگاه شنبه با من تماس گرفت و داخل خیابان قرار ملاقات گذاشت. صفورا آن شب به مادرش گفته بود که به خانه خاله‌اش می‌رود، اما خاله‌اش در خانه نبود به همین دلیل ساعتی با هم داخل خیابان پرسه زدیم تا اینکه او را برای خواب به خانه‌مان دعوت کردم و او هم قبول کرد. آن شب صفورا و خواهرم با هم در اتاقش خوابیدند تا اینکه صبح با هم از خانه بیرون آمدیم. او با یکی از دوستانش قرار ملاقات داشت و من هم به اصرار او همراهش رفتم. ساعتی پس از ملاقات از او خواستم به خانه‌شان برگردد، اما صفورا قبول نکرد و گفت دوست ندارد پیش مادرش برود. هر چقدر اصرار کردم، فایده‌ای نداشت تا اینکه مجبور شدم او را دوباره به خانه‌مان بیاورم. آن روز حال صفورا خوب نبود، به همین خاطر من و خواهرم او را به بیمارستان بردیم و آمپول و سرم زد. بعد از آن دوباره به خانه برگشتیم و شب صفورا دوباره با خواهرم در خانه ما خوابید. ساعت ۶ صبح بود که متوجه شدم صفورا از اتاق خواهرم بیرون آمد. وقتی از خواهرم سؤال کردم، گفت به آشپزخانه رفته تا آب بنوشد. لحظاتی بعد خواهرم از اتاقش بیرون آمد و سراغ صفورا را گرفت، اما خبری از صفورا نبود تا اینکه متوجه شدیم او به پشت‌بام رفته است. به سرعت خودم را به پشت‌بام رساندم، اما وقتی رسیدم، او خودش را از پشت‌بام به پایین پرتاب کرده بود.

همزمان با ادامه تحقیقات، جسد دختر جوان برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی فرستاده شد. صبح دیروز متهم برای انجام تحقیقات به دادسرای امور جنایی منتقل شد. پژمان مقابل قاضی مدیرروستا حرف‌های قبلی خود را تکرار کرد. در پایان جلسه پسر جوان با قرار وثیقه آزاد شد. تحقیقات برای روشن شدن زوایای پنهان این حادثه از سوی مأموران ادامه دارد.

# تماس با مالباخته پلیس را به خانه دزد تکرو کشاند

**دزد تکرو هر روز صبح سوار بر موتور هوندا از اسلامشهر راهی تهران می‌شد. او بعد از شناسایی خودروهایی که داخلش لوازم قیمتی بود با شکستن شیشه، خورجین موتور را از وسایل سرقت‌شده پر می‌کرد و به سراغ مالخران می‌رفت.**

به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل شکایت‌های مشابهی درباره سرقت لوازم داخل خودرو به پایگاه‌های پلیس آگاهی تهران گزارش شد. در بررسی شکایت‌ها معلوم شد که در همه سرقت‌ها سارق با شکستن شیشه عقب خودرو، وسایل داخل خودرو را سرقت کرده و گریخته است. همچنین معلوم شد که در همه سرقت‌ها سارق به دنبال کیف و لوازم باارزش داخل ماشین مثل لپ‌تاپ، گوشی‌های تلفن همراه و کیف بوده و لوازم دیگری مثل ضبط را سرقت نکرده است. در حالی که شکایت‌ها در حال زیاد شدن بود، همه پرونده‌ها در اداره بیستم پلیس آگاهی تهران متمرکز شد. در حالی که تلاش‌ها در جریان بود، یکی از شاکیان به پلیس مراجعه کرد و اولین سرنخ را به دست مأموران داد. او گفت فرد ناشناسی با او تماس گرفته و گفته است، حاضر است در قبال گرفتن پول، لپ‌تاپ سرقت شده است را پس بدهد. با به دست آمدن این سرنخ، شاکی تحت آموزش پلیس قرار گرفت و مأموران موفق شدند فرد تماس گیرنده را که مردی ۳۰ ساله به نام جابر بود، در اسلامشهر شناسایی و بازداشت کنند.

جابر گفت که لپ‌تاپ را از مردی به نام فرهاد به قیمتی پایین خریده است. او گفت بعد از بررسی اطلاعات داخل لپ‌تاپ متوجه شدم که صاحب آن باید حاضر باشد در قبال دریافت کردن لپ‌تاپش پول خوبی پرداخت کند. بعد از بررسی لپ‌تاپ شماره تماس صاحب آن را به دست آوردم و با او تماس گرفتم، اما نمی‌دانستم با این کار به دام پلیس می‌افتم.

با اطلاعاتی که جابر در اختیار پلیس گذاشت، فرهاد هم شناسایی و بازداشت شد. خیلی زود معلوم شد که متهم ۳۶ ساله از مجرمان سابقه‌دار در زمینه سرقت لوازم داخل خودرو است که بارها بازداشت‌شده و به زندان افتاده است. بعد از به دست آمدن این اطلاعات کارآگاهان مخفیگاه متهم را در اسلامشهر شناسایی و او را بازداشت کردند. در بررسی مخفیگاه متهم مقدار زیادی اوراق شناسایی مالباختگان، دهها عدد لپ‌تاپ، دسته‌چک، اسناد زمین، اسناد خودروهای مختلف و اسناد کشف شد.

فرهاد وقتی مورد تحقیق قرار گرفت، گفت که همه اموال را از داخل خودروها سرقت کرده است. او در شرح ماجرا گفت: هر روز سوار بر موتور هوندای ۱۲۵ قرمز رنگ از اسلامشهر راهی تهران می‌شدم. در محدوده پارک خودروها پرسه می‌زدم و پس از شناسایی خودروهایی که کیف‌دستی یا اموال باارزش دیگری از قبیل گوشی تلفن همراه و لپ‌تاپ در آنها قرار داشت، شیشه عقب ماشین را می‌شکستم و وسایل را سرقت می‌کردم و داخل خورجین موتور می‌گذاشتم و به سراغ مالخر می‌رفتم.

سرهنگ کارآگاه صفدر جان پرور، معاون مبارزه با سرقت وسایط نقلیه خودروی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: متهم اعتیاد شدیدی به مصرف موادمخدر دارد.

او به سرقت داخل خودرو در محدوده‌های شمالی و مرکزی شهر تهران به ویژه در مناطق امیرآباد، یوسف‌آباد، ستارخان، شهرک قدس (شهرک غرب) اعتراف کرده است.

## اسیدپاشی شبانه روی ۲ برادر

**دو برادر در جنوب تهران از سوی چهار مرد نقاب‌دار موتورسوار هدف اسیدپاشی قرار گرفتند.**

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۲۳:۳۰ شامگاه یک‌شنبه، ۱۴ خردادماه، ساکنان کوچه‌ای حوالی منطقه نعمت‌آباد با شنیدن فریادهای ای‌سوختم از خانه‌هایشان خارج شدند. آنها با دیدن دو مرد که مدام درخواست کمک می‌کردند، پلیس را از ماجرا با خبر کرده و مصدومان را به بیمارستان منتقل کردند. لحظاتی بعد تیمی از مأموران کلانتری ۱۵۲ خانی‌آباد در محل حاضر شدند. شاهدان گفتند: دو مصدوم که برادر بودند مقابل خانه‌شان نشسته بودند که از سوی چهار پسر که سوار بر دو موتور بودند هدف اسیدپاشی قرار گرفتند. از سوی دیگر مشخص شد یکی از برادرها از ناحیه شکم و دست و برادر دیگر تنها از ناحیه یک دست دچار سوختگی می‌شوند.

در حالی دو برادر تحت درمان قرار داشتند قاضی محسن مدیرروستا، بازپرس شعبه ششم دادسرای امور جنایی همراه تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی در بیمارستان حاضر شد. یکی از دو برادر در شرح ماجرا گفت: همراه برادرم جلو در خانه‌مان نشسته و در حال حرف زدن بودیم که دو موتور سیکلت که هر کدام دو سرنشین داشت وارد کوچه شدند. چهار مرد موتورسوار که نقاب به صورت داشتند، ابتدا با سرعت از کنار ما عبور کردند به طوری که هیچ کدام از آنها را نشناختیم. آنها لحظاتی بعد دور زدند و برگشتند. این بار از زیر لباس‌هایشان چاقو و قمه بیرون کشیدند. یکی از آنها ظرف پلاستیکی در دست داشت. قصد فرار داشتیم که یکی از آنها مایع داخل ظرف را به طرفمان پاشید. ثانیه‌هایی که نگذشته بود که احساس سوزش عجیبی ما را فرا گرفت به طوری که ناخودآگاه فریاد ای‌سوختیم ما به آسمان بلند شد و موتورسواران هم به سرعت از کوچه فرار کردند.

قربانی دیگر اسیدپاشی هم گفت: من مرد اسیدپاش را با اینکه نقاب به صورت داشت، شناختم. او همایون یکی از بچه‌های محل ما است. پنج‌ماه قبل من با همایون درگیر شدم و از آن روز به بعد او از من کینه به دل گرفت تا اینکه امروز با اسیدپاشی انتقام گرفت. وی در ادامه گفت: همایون از اوباش محل است.

او همیشه با قمه و عربده‌کشی برای اهالی محل مزاحمت ایجاد می‌کند. پنج‌ماه قبل همایون قمه به دست در حالی که به شدت مست بود به داخل خیابان آمد و عربده می‌کشید. او یک‌نفر را زخمی کرد و به زور وارد خانه یکی از شهروندان شد. پس از این حادثه مأموران پلیس او را بازداشت کردند و همایون فکر کرد من او را به پلیس لو داده‌ام به همین خاطر از من کینه به دل گرفت.

تحقیقات درباره این حادثه از سوی مأموران پلیس به دستور قاضی مدیر روستا ادامه دارد.

## پرداخت دیه، مجازات تصادف مرگبار با دزد

**پسر جوانی که هنگام تعقیب سارق، مرگ او را رقم زده بود محاکمه و به پرداخت دیه محکوم شد.**

به گزارش خبرنگار ما، دوم مردادماه سال ۹۴ مأموران پلیس از مرگ مشکوک مرد جوانی ۳۵ ساله‌ای به نام آرمان در بیمارستان فیروزگر باخبر و راهی محل شدند. دوست مقتول که در محل حضور داشت، گفت: شب گذشته من و آرمان با موتور در حال عبور از خیابان بودیم که خودروی ۲۰۶ با ما برخورد کرد و آرمان زخمی شد. بلافاصله او را به بیمارستان رساندیم، اما به علت شدت خونریزی فوت کرد.

بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی مأموران با مشخصاتی که در اختیار داشتند توانستند راننده خودروی ۲۰۶ را که مرد ۳۷ ساله‌ای به نام امیر بود شناسایی و دستگیر کنند. متهم در جواب بازجویی‌ها توضیح داد: شب حادثه همراه خواهر و مادرم سوار بر خودرو در حال عبور از خیابان به‌آفرین بودیم که موتورسواری به ما نزدیک شد. سرنشین موتور در یک لحظه گوشی خواهرم را سرقت کرد.

من هم موتورسوار را دنبال کردم که متوجه شدم کمی جلوتر موتور با یک خودروی پراید برخورد کرد و راننده موتور - آرمان - روی زمین افتاد. ترسیده بودم و از آنجایی که مادر و خواهرم همراهم بودند، فرار کردم. با کامل شدن تحقیقات امیر روانه زندان شد و پرونده برای رسیدگی به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در اولین جلسه رسیدگی بعد از اعلام رسمیت جلسه اولیای‌دم درخواست قصاص کردند. سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و بار دیگر ماجرا را شرح داد. بعد از آخرین دفاع متهم وکیل مدافع او از ریاست دادگاه برای مصالحه با اولیای‌دم درخواست مهلت کرد که با موافقت هیئت‌قضایی به جلسه بعد موکول شد. روز گذشته بار دیگر پرونده روی میز هیئت قضایی به ریاست قاضی عبداللهی و مستشار کیخواه قرار گرفت. بعد از قرائت کیفرخواست از سوی نماینده دادستان اولیای‌دم با توجه درخواست وکیل متهم، با پرداخت دیه اعلام گذشت کردند.

سپس متهم در جایگاه حاضر شد و در آخرین دفاعش گفت: آن شب تلاش کردم تا گوشی خواهرم را پس بگیرم که این اتفاق افتاد. اتفاقی که ناخواسته و بدون قصد و نیت بود. در پایان بعد از آخرین دفاع، هیئت‌قضایی بعد از شور متهم را به پرداخت دیه کامل محکوم کرد.

## قتل مادر بعد از مصرف افیون

**مردی معتاد که به اتهام قتل مادرش در بازداشت به سر می‌برد به جرمش اعتراف کرد.**

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۶ روز سه‌شنبه، نهم‌خردادماه مأموران کلانتری ۱۱۲ ابوسعید، قاضی مرادی، بازپرس ویژه قتل را از مرگ مشکوک زنی سالخورده در خانه‌اش با خبر کردند. لحظاتی بعد بازپرس به همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در خانه پیرزن در خیابان کمالی حاضر شد. جسد متعلق به زنی ۷۰ ساله بود که آثار جراحت روی نقاط مختلف بدنش دیده می‌شد. یکی از همسایه‌ها گفت: ساعتی قبل صدای مشاجره بین پیرزن و پسرش محسن بلند شد. از آنجا که دعوا خانوادگی بود، دخالت نکردیم. هنوز زمان زیادی از ماجرا نگذاشت بود که ناگهان محسن با فریاد از همسایه‌ها کمک خواست. او گفت که مادرش دچار عارضه قلبی شده و نفس نمی‌کشد. ما ابتدا به اورژانس خبر دادیم. امدادگران بعد از حضور در محل و معاینه پیرزن گفتند که او فوت شده است.

بعد از محسن که مردی ۴۰ ساله بود در این باره تحقیق شد. او گفت: من ساعت ۹ صبح برای انجام کاری از خانه بیرون رفتم. وقتی به خانه برگشتم، دیدم که مادرم میان اتاق پذیرایی افتاده است. با فریاد از همسایه‌ها کمک خواستم، اما مادرم فوت شده بود. محسن ادعای همسایه‌ها درباره مشاجره او با مادرش را انکار کرد.

بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، محسن به دستور بازپرس بازداشت شد و در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

تحقیقات میدانی نشان داد که محسن از مدت‌ها قبل به مصرف مخدرهای صنعتی اعتیاد پیدا کرده و چند بار در مراکز ترک اعتیاد و بیمارستان روان‌پزشکی بستری شده بود. در حالی که بررسی‌ها در جریان بود گزارش پزشکی قانونی روی میز بازپرس قرار گرفت. براساس این گزارش پیرزن براثر فشار بر عناصر حیاتی گردن فوت شده بود.

بعد از تأیید گزارش فوت، محسن بار دیگر مورد تحقیق قرار گرفت. او ساعت ۸ صبح دیروز سرانجام پرده از راز جنایت برداشت و به قتل مادرش اقرار کرد. محسن گفت: صبح روز حادثه ابتدا مواد مصرف کردم. بعد از مصرف مواد مادرم با من مشاجره کرد.

من از رفتارش ناراحت شدم و برای اینکه او را ساکت کنم دهان و گلویش را گرفتم و فشار دادم تا اینکه بی‌حال شد و روی زمین افتاد. تلاش کردم که او را احیا کنم، اما فایده نداشت. از خانه بیرون دویدم و از همسایه‌ها کمک خواستم، اما مادرم فوت شده بود.

سرهنگ کارآگاه حمید مکرم، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات بیشتر از متهم در اداره‌دهم پلیس آگاهی تهران در جریان است.

## محاکمه دوباره قاتل ستایش

**قاتل ستایش که پس از تأیید حکم قصاص در انتظار مرگ قرار دارد، روز گذشته با درخواست جدیدی از سوی اولیای‌دم بار دیگر پای میز محاکمه قرار گرفت.**

به گزارش خبرنگار ما، بیست و دوم فروردین‌ماه سال ۹۵، امیرحسین ۱۷ ساله به اتهام قتل ستایش، دختربچه شش‌ساله تبعه افغان تحت تعقیب مأموران پلیس ورامین قرار گرفت و یک روز بعد از آن بازداشت شد. او در بازجویی‌ها به جنایت هولناک اعتراف کرد و گفت: چند سالی بود که یکی از تفریحاتم مصرف مشروبات الکلی بود و به آن عادت کرده بودم. روز حادثه به خاطر جواب رد از طرف دختر مورد علاقه‌ام عصبی بودم و مقدار زیادی مشروب خورده بودم. در آن شرایط ستایش را دیدم که در کوچه مشغول بازی با خواهرزاده‌ام بود. او را به بهانه‌ای به خانه‌مان بردم و به او تعرض کردم. بعد او را با ضربات چاقو به قتل رساندم و جسدش را در کارتن مخفی کردم. نمی‌توانستم جسد را نگه دارم یا خارج از خانه ببرم به همین دلیل با اسید آن را از بین بردم.

با کامل شدن تحقیقات امیرحسین به اتهام قتل عمد، تجاوز به عنف و جنایت بر میت، مجرم شناخته و پرونده برای رسیدگی به شعبه هفتم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. متهم در ۲۴ شهریورماه سال گذشته مقابل هیئت قضایی به ریاست قاضی خازنی محاکمه شد و به خاطر قتل به قصاص، به اتهام تعرض به اعدام و به خاطر جنایت بر میت به پرداخت دیه محکوم شد.

این حکم بعد از ارسال به دیوان عالی کشور مورد تأیید قضات قرار گرفت، اما با درخواست دوباره اولیای‌دم پرونده بار دیگر به همان شعبه ارجاع داده شد.

روز گذشته متهم - امیرحسین ۱۷ ساله - از کانون اصلاح و تربیت به دادگاه منتقل شد و به صورت غیرعلنی پای میز محاکمه ایستاد. اولیای‌دم درخواست‌شان را مبنی بر دریافت ارش‌البکاره و مهرالمثل مطرح کردند. بعد از آخرین دفاع هیئت قضایی برای صدور رأی وارد شور شد.

## تشدید مبارزه با خریداران اموال مسروقه

**معاون مبارزه با سرقت پلیس آگاهی ناجا از تهیه پیش‌نویس طرح و تشکیل کارگروه مشترک ناجا و قوه قضائیه برای مبارزه با مالخران و نظام‌مند کردن بازارهای خرید و فروش اموال دست‌دوم خبر داد.**

سرهنگ کارآگاه رضا مؤذن از خریداران اموال مسروقه (مالخران) به عنوان یکی از عوامل اصلی ایجاد انگیزه در سارقان برای ارتکاب جرم سرقت نام برد و اظهار داشت: هدف نهایی اغلب سارقان از انجام سرقت، کسب اموال و تبدیل آن به نقدینگی است.

وی افزود: در حال حاضر به رغم جرم‌انگاری موضوع در قانون مجازات اسلامی، به دلیل عدم تکمیل روندهای کنترلی موجود، برخورد جدی با مداخله‌کنندگان در اموال سرقتی صورت نمی‌پذیرد که این امر رونق خوبی برای خریداران و فروشندگان این اموال در صنوف مختلف ایجاد کرده است.

این مقام انتظامی درباره تهیه پیش‌نویس طرح مبارزه با مالخران و نیز نظام‌مند کردن بازارهای خرید و فروش اموال دست‌دوم و اجرای آن در سال ۹۶ گفت: با توجه به تعامل انجام شده با اداره پیشگیری‌های امنیتی و انتظامی معاونت پیشگیری قوه قضائیه، قرار است پس از تهیه پیش‌نویس این طرح و ابلاغ آن از سوی قوه قضائیه، با همکاری مستقیم پلیس آگاهی ناجا با معاونت پیشگیری قوه قضائیه و مسئول‌سازی سایر دستگاه‌های ذیربط، مبارزه جدی علیه پدیده شوم مالخری در سه حوزه برنامه‌های بلند مدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت با تعیین استان‌های هدف اجرا شود.

**آگهی رونوشت حصر وراثت**

خواهان رونوشت حصر وراثت هاجر شهرکی فرزند غلام‌حیدر به شناسنامه ۱۰-م حوزه ۶ زابل به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاسه ۹۶۰۱۳۶ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان غلام نبی شهرکی محمدی فرزند محمدعلی به شناسنامه ۲۱۸ حوزه ۳ زابل در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۱۳ در اقامتگاه دائمی خود بدرود حیات گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱. متقاضیه با مشخصات فوق‌الذکر همسر متوفی ۲. علی شهرکی محمدی فرزند غلام نبی به ش.ش: ۸۲۸ حوزه یک زابل فرزند متوفی ۳. حامد شهرکی محمدی فرزند غلام نبی به ش.ش: ۱۰۴۶ حوزه یک زابل فرزند متوفی ۴. شهریار شهرکی محمدی فرزند غلام نبی به ش.ملی: ۳۶۶۰۱۳۹۲۰۳ حوزه یک زابل فرزند متوفی ۵. شهرو شهرکی محمدی فرزند غلام نبی به ش.ش: ۵۰۱-م حوزه یک زابل فرزند متوفی ۶. شهرزاد شهرکی محمدی فرزند غلام نبی به ش.ش: ۱۵۰۴ حوزه یک زابل فرزند متوفی. اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور یک نوبت آگهی می‌گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و یا وصیت نامه‌ای از متوفی نزد او می‌باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یک ماه به این شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد./ م‌الف: ۹۰۴

محمدرضا طاهری نسب
قاضی حل اختلاف شماره ۲ مجتمع مرکزی شهرستان زاهدان

**آگهی دادگستری کل استان البرز**

خواهان خانم ناهید جوانمرد دادخواستی به طرفیت خوانده محمد سراجی به خواسته طلاق تقدیم دادگاه‌های عمومی فردیس نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۳ دادگاه خانواده شهرستان واقع در استان البرز شهرستان فردیس ج ملارد کانال شرقی دادگستری فردیس ارجاع به شماره ثبت ۹۵۰۹۹۸۳۰۳۱۳۰۱۲۵۶ ثبت گردیده و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی خود و معرفی داور حاضر گردد. / م‌الف: ۹۶/۲۰۱/دا

منشی دادگاه حقوقی شعبه ۳ دادگاه خانواده شهرستان فردیس- محسن مهرابی

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۳۹۶۰۳۲۴۰۰۹۰۰۰۲۴۲- ۱۳۹۶/۱/۲۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوشهر تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی خانم کبری جمالی قطب آبادی فرزند علی حسین به شماره شناسنامه ۲ صادره از جهرم به شماره ملی ۲۴۷۱۶۱۵۷۸۳ در شنشدانک یک باب خانه به مساحت ۱۲۱/۱۱ مترمربع پلاک ۱۱۵ فرعی از ۳۳۵۵ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۳۳۵۵/۲ اصلی واقع در بخش دو بوشهر خریداری از مالک رسمی عباسعلی ماندنی نژاد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۴۴۹۷۳ / م‌الف: ۳۴۵

نوبت اول: ۹۶/۳/۲ نوبت دوم: ۹۶/۳/۱۷ سهراب خواجه- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر